



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صالح

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



الموسيقىات و نقدھا

محمد علی ملقري حقري

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الموسیقیات و نقدها

نویسنده:

محمد علی سنقری حائری

ناشر چاپی:

مرصاد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	الموسیقیات و نقدها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	مؤلف
۷	رساله حاضر
۸	[شبهه]
۸	اشاره
۸	[منشأ و جواب شبهه]
۱۷	[حرمت غنا در آیات قرآن]
۱۹	[حرمت قمار]
۲۰	اما فرمان الهیه و اعلان قرآن مجید
۲۱	[خاتمه در تحذیر از مجالست رفیقان بد]
۲۲	درباره مرکز

الموسیقیات و نقدها

مشخصات کتاب

نام کتاب: الموسیقیات و نقدها
 موضوع: فقه استدلالی
 نویسنده: سنقری حائری، محمد علی
 تاریخ وفات مؤلف: ۱۳۷۸ ه ق
 زبان: فارسی
 قطع: وزیری
 تعداد جلد: ۱
 ناشر: نشر مرصاد
 تاریخ نشر: ۱۴۱۸ ه ق
 نوبت چاپ: اول
 مکان چاپ: قم- ایران
 شابک: ۹۶۴-۹۰۶۲۷-۵-۰
 محقق/مصحح: محسن صادقی
 ملاحظات: این رساله در جلد دوم کتاب "غنا، موسیقی" چاپ شده است

مقدمه

مؤلف

عالم مہذب و متقی مرحوم حاج شیخ محمد علی سنقری فرزند مرحوم شیخ محمد حسن ہمدانی در جمادی الاولی سال ۱۲۹۳ ق در کربلائی معلماً متولد شد و نزد عالمان آن دیار، علوم عقلی و نقلی را فرا گرفت و رشد یافت و بہ درجات عالی رسید. پدرش ادیب و فاضل و شاعر و صاحب دیوان مشکاة الولاية بود کہ در تہران بہ چاپ رسیدہ است. سنقری چندی نزد پدر شاگردی کرد.

مرحوم سنقری چندی از کربلا بہ تہران آمد و از درس مرحوم آقا نجفی اصفہانی بہرہ گرفت. سپس بہ کربلا بازگشت و در درس آیۃ اللہ سید اسماعیل صدر شرکت کرد. مرحوم صدر کہ بہ فضایل او پی برده بود، بہ وی امر کرد کہ برای مناظرہ با ناصبیان و متمردان بہ بحرین سفر کند.

مرحوم سنقری در ۱۳۲۶ ق بہ نجف رفت و در درس آیۃ اللہ الشریعۃ اصفہانی حاضر شد و از او حدیث و تفسیر قرآن بیاموخت. همچنین در نجف در بحث اصول آخوند خراسانی شرکت کرد. زبان عبری و سریانی و انجیل و زبور را نزد فخر الإسلام، مؤلف انیس الأعلام کہ روحانی مسیحی بودہ و بہ اسلام گرویدہ بود، بیاموخت.

مرحوم سنقری بہ توصیۃ استادش آخوند خراسانی در جریان مشروطیت بہ

الموسیقیات و نقدها، مقدمہ، ص: ۲

سنقر رفت و در آنجا به ترویج احکام اسلام و حل مشکلات دینی مردم پرداخت.

در جریان انقلاب ۱۹۲۰ م عراق به کربلا بازگشت و نزد آیه الله شیخ محمد تقی شیرازی به تحصیل پرداخت.

مرحوم سنقری در تعلیم علم کوشا بود. دستگیر ضعیفان و فقیران، عقیف، کریم الطبع و بر نفس خویش مسلط بود.

بیش از بیست اثر علمی به صورت کتاب و رساله از او بر جای مانده که تنها بعضی از آنها چاپ شده است. (۱)

مرحوم شیخ محمد حسین کاشف الغطاء - طاب ثراه - در تقریظی که بر کتاب الإلهام فی علم الإمام تألیف مرحوم سنقری نگاشته این گونه مؤلف و مؤلف را ستوده است:

لقد أجلت نظری فی هذه الرسالة السامیة فی معارج العلم و المعارف التی هی من رشحات قلم العلامة الحبر الجلیل عمدة العلماء الأعلام بغیة الإسلام [كذا] و ملاذ الأنام المولی الأجل الشیخ محمد علی الحائری أئده الله. فوجدتها فريدة فی بابها بدیعة فی أسلوبها فائقة فی مغزاها علمیة فی لفظها و معناها. جمعت جمهرة أخبار علوم الأئمة المعصومین صلوات الله علیهم و ألقت بأدق الوجوه و أقوى المحامل بین مختلفاتها و وفقت بین متعارضاتها بما دلّ علی أنه أدام الله

(۱) بعضی از آثار مرحوم سنقری در کتابخانه تلمیذش مرحوم حجة الإسلام و المسلمین سید محمد رضا طبسی هست (رک: مجله نور علم، دوره دوم، شماره دوم، «چهار صد و هشتاد نسخه خطی»، رضا استادی) برای اطلاع بیشتر از شرح حال و آثار مرحوم سنقری رک: مقدمه الرسالة العاصمیة اثر مشار إلیه (چاپ نجف، مطبعة القضاء، ۱۳۷۹ ق).

الموسیقیات و نقدها، مقدمه، ص: ۳

برکات وجوده من ذوی الملكات العالیة و المراتب السامیة و قوّة الاجتهاد و أصالة الرأي و صواب النظر. فنسأله تعالی أن یدیم أیام إفاداته و یسلّده و یؤیّده و ینفع الإسلام و المسلمین بآثاره و مآثره.

حرّره الأحقر محمد الحسین آل کاشف الغطاء فی کربلاء المشرّفة ۲۳ صفر سنه ۱۳۵۸. (۱)

رسالة حاضر

یکی از آثار قلمی مرحوم سنقری الموسیقیات و نقدها است. این رساله تا کنون چاپ نشده و تنها نسخه خطی آن ضمن مجموعه‌ای

در کتابخانه مرحوم حجة الإسلام و المسلمین سید محمد رضا طبسی قدس سره نگه‌داری می‌شود. (۲)

این مجموعه شامل سه رساله از آثار مرحوم سنقری است: ۱- منظومه مناهج الفلاح در امامت؛ ۲- الموسیقیات و نقدها؛ ۳- رسالة خمیه.

مؤلف در این رساله ابتدا شبهه‌ای را به این صورت مطرح می‌کند:

شنیدم، بعضی از برادران را که بر ایشان مشتبه شده است ...

که اشتغال به غنا و موسیقی مانند رادیو و فنوگراف و ... انسان را از غیبت و تهمت و عیب‌جویی مردم نگاه می‌دارد. علاوه بر اینکه موجب تشحید ذهن می‌شود؛ بخصوص زمانی که در آن

(۱) مرحوم کاشف الغطاء این تقریظ را بر نسخه خطی الإلهام فی علم الإمام نوشته است. این نسخه در کتابخانه حضرت آقای طبسی نگهداری می‌شود.

(۲) نسخه‌های خطی مرحوم طبسی (طاب ثراه) هم اکنون نزد فرزند ایشان جناب حجة الإسلام و المسلمین سید محمد علی طبسی هست. از لطف ایشان به خاطر در اختیار گذاشتن این رساله سپاسگزاریم.

الموسیقیات و نقدها، مقدمه، ص: ۴

قرآن تلاوت می‌شود و مناجات و ذکر احادیث و مواعظ یا مصیبت حضرت سید الشهدا علیه السلام باشد، عبادت هم محسوب می‌شود.

مؤلف در پاسخ این شبهه، منشأ آن را دو چیز می‌داند:

۱- ضعف در معارف و سستی اعتقاد که سبب می‌شود شیطان این گونه اباطیل را در نظر این جماعت زینت دهد؛ ۲- مشتبه شدن علاقه‌مندی به دین و دیانت، به لا قیدی و حریت. و برای هر یک از دو منشأ، روایات و آیات و حکایاتی نقل کرده است. نظر مؤلف این است که در حرمت غنا و خوانندگی فرقی نیست چه با آلات لهو باشد یا نباشد بلکه در آلات معده مبغوضیتش بیشتر و عقابش زیاده‌تر است.

مرحوم سنقری «ترجیع» در حدیث «رجع بالقرآن صوتک» (۱) را به «صوت حزین خشوع آور یادآورنده عظمت خدا و وعده و وعید او» تفسیر کرده و چند حدیث در تأیید نظر خود آورده است.

به دنبال آن، به بیان آیاتی پرداخته که در روایات به حرمت غنا تفسیر شده است.

سپس به توضیح و تفسیر چند آیه و روایت در حرمت قمار پرداخته و در خاتمه چند آیه و روایت و چند بیت شعر فارسی و عربی درباره تذییر از معاشرت با رفیقان ناباب و جاهل آورده است.

محسن صادقی

(۱) الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱۳.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱

[شبهه]

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و به نستعین شنیدم بعضی از برادران را که بر ایشان مشتبه شده است برای توسل و رسیدن به شهوات دماغیه خود، آنکه گویند: اشتغال ما به غنا و موسیقی - مانند فنوگراف که صندوق آواز و رادیو و غیر ذلک از آلات متعلقه به اینها یا به آلات و انواع میاسر و قمار از آلات لهو - انسان را صرف می‌کند و نگاه می‌دارد از غیبت برادران دینی و تهمت و عیب‌جویی مردم و استهزا و اذیت. علاوه، تشحید کند قوه دماغیه را، بخصوص اینکه بسا باشد عبادت هم دارد زمانی که در آن قرآن تلاوت شود و مناجات و ذکر احادیث و مواعظ یا مصیبت حضرت سید الشهدا علیه السلام گرچه غنا هم باشد.

[منشأ و جواب شبهه]

محصل جواب از اصل این شبهه و خرافات در مقابل حقیقت و بداهت، این است که از معصیتی به معصیتی دیگر پناه بردن است. و مخفی نیست آنکه منشأ این شبهه و خرافات چند چیز است:

اول: ضعف در معارف و شناسایی مبدأ و معاد و سستی اعتقاد البته

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲

سبب می‌شود که شیطان زینت دهد در نظر آن جماعت، و در نظر ضعیف الایمان قوت دهد این گونه اباطیل را که به این بهانه‌ها بیچاره را فریب داده به مقصد خودش برساند.

پس می‌گوییم: بعد از تصدیق عاقل به عظمت پروردگار واجب الوجود حکیم قدیم مقنن قانون محکم قرآن مجید و شریعت عادلّه محمّديه، و علاقه‌مندی به دین و دیانت و محرّمات، کاشف است که با این خرافات ندارند علاقه به دین و دیانت [کذا].

[در] بحار الأنوار از کتاب کافی به سند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:

چون حضرت [آدم] وفات نمود، شیطان و قابیل خوش حال گردیده و در مقام شماتت به مرگ آن حضرت همدست شدند و شیطان حاضر کرد جمیع اسباب و آلات لهو را از طبل و طنبور و تار، و مدّتی به شماتت این امر می‌کوبیدند. پس، هر چه می‌بینید از این آلات لهو و لذّت، از این روز [است]. «۱»

و حدیث معتبر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در حرمت کوبیدن دف و رقص و اقسام لهو و بازی و حضور در مجلس استماع آنها متواتر رسیده است مگر در عروسی دختر بکر آن هم مشروط بر اینکه مرد اجنبی بر زنان گوش نکند و حاضر نشود. «۲»

امیر صدر الدین دشتکی را رساله‌ای است در حرمت خمر. در آنجا ذکر نموده که:

مولا امیر المؤمنین علیه السلام شنید مردی را که طنبور می‌زند، او را

(۱) البحار، ج ۱۱، ص ۲۶۰، ح ۶ به نقل از کافی؛ الکافی، ج ۶، ص ۴۳۱، باب الغناء، ح ۳.

(۲) رک: عوالی اللآلی، ج ۱، ص ۲۶۱، ح ۴۲.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۳

نهی فرمود و طنبور او را شکست و پاره نمود و او را توبه داد.

پس فرمود: «آیا می‌خواهی بدانی تفسیر و ترجمه نغمات طنبور را که چه می‌گوید؟» عرض کرد: وصی پیغمبر خدا بهتر می‌داند. آن حضرت فرمود: «طنبور زبان حالش این است که می‌گوید:

ستندم ستندم آیا ضاربی* ستدخل جهنّم آیا صاحبی». «۱»

یعنی می‌گوید: زود است پشیمان می‌شوی، پشیمان می‌شوی ای کوبنده من، و زود است که داخل جهنّم می‌شوی ای صاحب من.

از کتاب لبّ اللباب در حدیث نبوی صلی الله علیه و آله و سلّم وارد شده که فرمود:

من استمع إلى اللهو [یذاب فی أذنه الآنک]. «۲»

هر کس گوش کند این آلات لهو را حضرت احدیّت امر فرموده سرب آب کرده در گوش او بریزند.

بدان که شبهه‌ای نیست در اینکه هر چه را پروردگار حرام نموده، اساس حرمت آن چیز روی فساد نظام عالم و خلاف حکم عقل و شرع است. غزالی در این مقام گوید:

غنا و موسیقی مهیج شهوات و بالاترین مهیجی است به هفت وجه و دلیل، چنانچه محسوس است. تهیج آواز آدمی را سوق می‌دهد به طلب زنان و به طلب مال مردم؛ یعنی به طلب زنا و دزدی و اکل مال به باطل. «۳»

(۱) روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۸۷ به نقل از رساله ذکر تألیف دشتکی.

(۲) مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۲۲۲، باب تحریم سماع الغناء و الملاحی، ح ۵ به نقل از لبّ اللباب قطب راوندی.

(۳) در احیاء العلوم و کیمیای سعادت این کلام را نیافیم.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۴

و اینکه گویند استنشاق دماغ آورد و یا مشغول می‌کند آدمی را از غیبت مردم، و اینها خود ترقبات نفس است، ولی چون بدیهی و ضروری است فسادهای مترتب بر غنا و موسیقی حتی در تلاوت قرآن و رثا- که به طریق اولی است حرمتش- پس این اعدا را که آورند «کلمه حقّ یراد بها باطل» (۱) است، چنانچه حظّ شیطان در شنیدن و شنوایدن و مفسد کلیّه آن. جنید بغدادی گفت:

شیطان را دیدم در خواب. به او گفتم چه وقت بر گردن مردم سوار می‌شوی و به آن خوشوقتی؟ قال: نعم فی وقتین، گفت: دو وقت: یکی در وقت شنیدن آواز موسیقیات، دیگر در وقت نگاه کردن به طرف نامحرم. احادیث اهل بیت هم تحذیر کرده‌اند مؤمن را در این دو وقت که مسلط کند شیطان را. (۲) پس، در مذهب اهل بیت طاهرین حرمتش واضح و مسلم است.

امّا در مذهب عامّه از مذاهب اربعه یعنی حنفی و شافعی و مالکی و حنبلی حلال کرده‌اند این همه ماده فساد را یعنی غنا و عود و قمار و بربط و رقص. (۳) بعضی ایشان حلال کرده‌اند برای اصحاب خود وطی مادر و خواهر و نظایر اینها را به شرط لفّ حریر علی الأیر (۴) و در سفر وطی پسر

(۱) نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، خطبه ۴۰ و حکمت ۱۹۸.

(۲) الفقیه، ج ۴، ص ۵۹، ح ۵۰۹۳: «و إياک و الضرب بالصوانیح؛ فإنّ الشیطان یرکض معک و الملائکة تنفر عنک».

(۳) برای اطلاع از فتاوی مذاهب اهل سنت در باب غنا رک: کشف الغطاء عن حکم سماع الغناء از ابن قیم جوزیه؛ ترجمه احیاء العلوم، نیمه دوم از ربع عبادات، ص ۷۸۹-۷۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، از جزیری، ج ۵، ص ۵۳-۵۴.

(۴) جزیری در الفقه علی المذاهب الأربعة، (ج ۵، ص ۹۰) می‌گوید: «من زنا بالمحارم سواء أ كان التحريم بالمصاهرة، أو بالقرابة، أو بالرضاع، قال سیّدنا جابر بن عبد الله رضی الله عنهما: یضرب عنقه، و یضمّ ماله إلی بیت المال عقوبه له علی ما فعل و زجرا لغيره».

الموسیقیات و نقدها، ص: ۵

را «۱»، چنانچه سجده بر عذره سگ را جایز دانند (۲) و گویند وطی امرد نظیر اجاره منزل است در ساعت معین [ظ] و نیز جایز می‌دانند بچه در شکم مادر چهار سال بماند تا بتوانند بسیاری را به این فتوا خلاص کنند و به مراد خود برسانند چنانچه یکی از امامان خود را چهار سال گفتند در شکم مادر بود. خدای حکم کند بین ما و این جماعت. بدان که در اثر است آنکه:

شیطان چون کسی را در تنهایی نگرد، فرصت غنیمت می‌بیند برای گمراهی او. اوّل سر در گوش قلب او و دل او گذارده می‌گوید: بیکار ننشین، سه کلمه حرف می‌زند: اوّل می‌گوید: «تمنّ» یعنی یک آرزویی بکن. این بیچاره یا آرزو می‌کند شهوت فرج را- و از این راه او را هلاک می‌کند- یا آرزو می‌کند شهوت در مال مردم خوردن را به هر حيله که بتواند- و از این راه هلاک می‌شود- و یا آرزو می‌کند خمر و قمار و غیر اینها را، و از این راه [او را] هلاک می‌کند.

کلمه دوم: او می‌گوید: فکر کن در غیبت مردم و تهمت و نَمّامی و حسد و عیب‌جویی مردم و از این راه هلاک کند او را. و چون دید بیچاره اطاعتش می‌کند، این مرتبه گوید: «تغنّ»

(۱) جزری در الفقه علی المذاهب الأربعة، (ج ۵، ص ۱۲۵) می‌گوید: «اتَّفَقَ الأئمّة علیهم رضوان الله تعالی علی تحريم اللواط فی نظر الشرع، و علی أنّه من الفواحش العظام، بل أنّه أفحش من جريمة الزنا، و أنّه كبيرة من الكبائر».

(۲) جزیری در الفقه علی المذاهب الأربعة، (ج ۱، ص ۲۱۱) می‌گوید: «و یشرط فی صحّة السجود أن یکون علی یابس تستقرّ جبهته علیه».

الموسیقیات و نقدها، ص: ۶

یعنی زمزمه کن، به آواز و غنا شعری بخوان. و چون دید که مشغول زمزمه شد، فوراً بر گردنش سوار می‌شود و پای خود را به طرف سینه این بیچاره آویزان می‌کند و آهسته آهسته می‌کوبد و این کوبیدن اثر می‌کند در این شخص که هر چه در نزدیک [او] هست با انگشتانش بر او می‌کوبد تا کم کم به رقص منتهی می‌شود و پیوسته بازیگر شیطان می‌شود. آن وقت می‌گوید: خدا مرا چنین کرد.

در حدیث است صفوان بن امیه گفت:

ما جمعی در خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بودیم. عمرو بن قره طبال آمد خدمت آن حضرت و عرض کرد: یا رسول الله! إن الله كتب علی الشقوة (یا رسول الله! خدا سرنوشت روزی مرا به شقاوت انداخته) أرزق بكفی علی دفی (روزی مرا چنین کرده که با دستم بر دف و طبل باید بزنم) و چون این کفایت معاش من نمی‌کند، اذن بدهید که غنا و آوازه‌خوانی را زیاد کنم. حضرت رسول در غضب شد [و فرمود:]: برخیز! اذنت نمی‌دهم. و لا کرامه کذبت یا عدو الله (دروغ گفتی ای دشمن خدا. افترا به خدا می‌زنی) اگر بار دیگر این حرف را تکرار کنی لضربتک ضربا وجیعا (می‌زنم تو را ضربتی دردناک). خدا به تو نشان داد کاسیهای حلالی را. تو خودت اختیار کردی این عمل را. برخیز! حیا کن! «۱»

(۱) أسد الغابة، ج ۴، ص ۱۲۶-۱۲۷: «عن صفوان بن أمیه قال: كنت عند النبی صلی الله علیه و آله و سلم. فجاء عمرو بن قره، فقال: یا رسول الله! إن الله كتب علی الشقوة فلا أرانی أرزق إلّا من دفی بكفی، فأذن لی فی الغناء من غیر فاحشة. فقال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: «لا آذن لك و لا کرامه و لا نعمه».

كذبت یا عدو الله! لقد رزقك الله حلالا طيبا فاخترت ما حرم الله عليك لو كنت تقدّمت إليك، لنكلت بك».

الموسیقیات و نقدها، ص: ۷

اکنون نظر کن بین صحیفه کامله حضرت امام زین العابدین علیه السّلام در دعای مکارم الأخلاق، از جمله عبارات این دعا این است، می‌فرماید- و اشاره به همین سه کلمه که شیطان سر در گوش قلب آدمی کند و گوید: «تمنّ و تغنّ و احسد»، اسباب هلاک آدمی را القا می‌کند یعنی تمنّا کن و آواز بخوان و حسد و غیبت و تهمت مردم و اذیت کن- می‌فرماید:

اللهم اجعل ما یلقى الشیطان فی روعی من التمنی و التظنی و الحسد ذکرا لعظمتک و تفکرا فی قدرتک و تدبیرا علی عدوک. «۱»
یعنی: پروردگارا قرار ده در من در برابر آنچه دشمن تو شیطان در قلب من می‌اندازد از تمنّی و تظنّی و حسد، یاد بیاورم از بزرگی و عظمت تو و فکر کنم در قدرت تو و در تدبیر هلاک دشمن تو (یعنی فرمان شیطان نبرم تا هلاکش کنم و دستی به من نرساند) تا آخر دعا.

عزیز من! بخوان دعای مکارم الأخلاق را که فرمایشات امام تو علیه السّلام است. و الله الهادی إلی الرشاد.

پس، باید دانست که احکام الهیه که به توسط سفیر مقدّس اعلان به حرمت چیزی فرموده و تهدید و وعید بر مخالفت آن فرموده البته در مقابل عظمت اله معصیتش عظیم؛ و هیچ شبهه مقابل این اعلان نمی‌ایستد، زیرا که هر جزء جزء احکام دین اسلام را هزاران حکمت و فلسفه و مصلحت است که عقل عقلا را به آن راه نیست؛ چه راجع به نظام جامعه بشری یا نظام کلّ عالم.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۸

واجباتش همانا دوی نافع و محرّماتش سمّ قاتل است. فرق نمی‌کند، چه احکام تعبّدیه مولویه باشد یا ارشادیه، از اخلاقیه و سیاسیه، راجع به حفظ الصّحّه روح و دماغ و عقل، یا به حفظ جسد و ابدان، یا اعراض یا حفظ دماء و نفوس، یا انساب و مواریث. پس از احراز این معنی، حالت منتظره و مجالی نمی‌ماند برای جعل احکام و فواید استحسانیه به عقل ناقص خود. بنا بر این، به هر حکمی از احکام از واجبات و محرّمات و مستحبات و مکروهات شارع مقدّس رسیدی گوش فرا ده که به صدای روح افزای الهی می‌شنوی که می‌فرماید: ﴿أَتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾^۱ یعنی: فضولی موقوف. و در مقابل این فرمان محترم عرض اندام به ذکر فواید و احکام جعلیه، از خرافات اوّلیه است.

پس، اوّلاً، تا این راه مسدود نشود در اصول معارف، مجال گفتگو و استدلال در فروع نیست.

ثانیاً: منشأ تولید این شبهات و خرافات، مشتبّه شدن علاقه‌مندی به دین و دیانت به لا قیدی و حرّیت جدید بین- یعنی آزادی و بی‌قیدی و خودسرانه بودن- که ملازم است با حرّیت با نقطه. و لا جرم چون چنین بینند خود را علاج نمایند. با آنکه ما در اصل خلقت عبد و مملوکیم، عبودیت و مملوکیت را کجا رسد دعوای آزادی و حرّیت کند. گرچه پروردگار به عدالت الهیه و اتمام حجت بر ما، ما را در تحصیل سعادت و شقاوت و خیر و شرّ مخیر فرمود، با تهدید و وعید شدید بر مخالفت فرمان. پس، عبد مادامی که رهین مملوکیت فرمان مولای خود و محدود به حدود اوامر و نواهی اوست، ادّعای آزادی او ادّعای فرعونیت است، العیاذ

(۱) حشر (۵۹): ۷.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۹

بالله. مگر آن وقتی که قطع و یقین کند که مطابق با فرمان الهی و رضای او است؛ آن هم نه به عقل خود بلکه مجرّد احتمال مبغوضیت آن عمل، در اجتناب از آن عمل کافی است؛ زیرا که به حکم عقل مستقل، دفع ضرر محتمل نیز واجب است تا چه رسد به ضرر مقطوع.

واضح است که ضرر تأخیر [امثال] فرامین الهیه از وقت خود، سبب مشغول شدن به این گونه صوارف از گناهان [است، و این خود] گناه عظیمی است بالضروره نسبت به عظمت پروردگار عظیم.

و ثانیاً، ضرری است به جامعه بشری اسلامی به سبب تجرّی او بر معصیت و تجرّی دادن جامعه بر این امر خطیر. و لا محاله شریک است با جمیع متجرّئین در این معصیت، که سبب دریدن پرده حیای آنها شده است؛ قطع نظر از اینکه این خود هتک احترام ناموس شریعت مطهره است. اوّلاً، وبای عام است؛ ثانیاً، مضحکه عقلاست؛ ثالثاً، فساد اخلاق است؛ رابعاً، بسا باشد که این فساد اخلاق لازم دارد غالباً ارتکاب بسیاری از قبایح را مثل بی‌مبالاتی در شرب خمر یا قمار، که عاقبت منجر شود به کدورت و نزاع، و لا اقل منجر شود به افلاس و فقر در بین هم قطارها. با اینکه ترک این ادّعای باطل و چرند اگر در ضمن حرامی دیگر واقع شود [کذا] همانا مثل کسی است که بگوید که من زنا می‌کنم که مبتلا به شرب خمر نشوم یا بگویم و طی امر می‌کنم که مبتلا به زنا نشوم. و قباحت این امر واضح است و محتاج به ذکر دلیل نیست.

بدان که در حرمت غنا و خوانندگی و همچنین استماع الحان موسیقی فرق نمی‌کند چه با آلات لهو باشد یا نباشد بلکه حلقوم و نای باشد. بلی البته در آلات معدّه معصیتش بیشتر و عقابش زیاده‌تر است، چنانچه به اعتبار وقوع هر معصیتی به اعتبار زمان و مکان مخصوص البته عذاب مضاعف و زیاده‌تر

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۰

خواهد بود؛ مثلاً در زمان شریف محترم در شرع مقدّس مثل ایام رجب و شعبان و ماه رمضان یا ایام عاشورا و حزن آل محمّد، و یا جمعه و شب جمعه، یا ایام وفیات پیغمبر و ائمّه طاهرين عليهم السّلام، یا در مکان محترم مثل حرمین یا مطلق مساجد یا اعتبار مقدسه و مقامات معدّه للعباده و مجالس علم و معارف الهیه مبدأ و معاد، و مجالس ذکر فضایل آل محمّد و مصائب اهل البیت که ذکر الله است، البته معصیتش بیشتر و شدیدتر خواهد بود.

و اما به اعتبار اشخاص، چنانچه معصیت عالم اشدّ عذابا است از غیر عالم:

إِنَّمَا يِدَاقُ اللّٰهُ الْعِبَادَ بِقَدْرِ مَا آتَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ. «١»

در حدیث دیگر فرمود:

يغفر للجاهل سبعون ذنبا قبل أن يغفر للعالم ذنب واحد. «٢»

البته هتک حجاب الهیه به دست این گونه اشخاص بدتر است. کما آنکه تتضاعف الحسنات أيضا بتضاعف وقوعها فی الأزمه و الأمکنه و الأوقات ضعفين، فتكون المعصيه فيها أفحش و العقوبه فيها أعظم و أكثر.

ابو عبیده در تفسیر آیات کریمه یُضَاعَفْ لَهَا الْعِزَابُ ضِعْفَيْنِ وَ كَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا* وَ مَنْ يَقْنُتْ لِلَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَعْمَلْ صَالِحاً نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ ﴿٣﴾ گفت:

الضعفان أن يجعل للواحد ثلاثة [فيكون عليهنّ ثلاثة حدود]؛

(۱) الکافی، ج ۱، ص ۱۱، کتاب العقل و الجهل، ح ۸. در کافی روایت این گونه نقل شده:

«إنما يداق الله العباد في الحساب يوم القيامة على قدر ما آتاهم من العقول في الدنيا».

(٢) الكافي، ج ١، ص ٤٧، باب لزوم الحجّة على العالم و تشديد الأمر عليه، ح ١.

(۳) احزاب (۳۳): ۳۰-۳۱.

الموسيقىات و نقدها، ص: ١١

لأنَّ ضعف الواحد مثله و ضعف الشيء مثله. «١»

یعنی: یکی را سه می دهند، زیرا که البته ضعف یک دو تا است که با خود آن یک سه می شود.

شیخ طبرسی در مجمع البیان روایت نمود از ابی حمزه ثمالی و او از زید بن علی بن الحسین علیهما السلام که فرمود:

أرجو للمحسن مَّا أُجْرِين و أخاف على المسيء مَّا أن يضاعف له العذاب ضعفين. الحديث.

و روى أيضا عن محمد بن أبي عمير عن إبراهيم بن عبد الحميد عن علي بن عبد الله بن الحسين عن أبيه علي بن الحسين زين العابدين عليهم السلام أنه قال له رجل: إنكم أهل بيت مغفور لكم. قال: فغضب و قال: «نحن أخرى أن يجزى فينا ما أجرى الله في أزواج النبي صلى الله عليه و آله و سلم من أن نكون كما تقول، إنا نرى لمحسننا ضعفين من الأجر و لمسيئنا ضعفين من العذاب».

ثم قرأ الآيتين. «٢»

ابو الفتوح در تفسیر کبیر (۳) گوید:

قُلْتُ وَ كَثْرَتِ مَعْصِيَتِ نَهْ از جهت مجرّد وقوع فعل است بلکه از جهت حرمت وقوع فعل بر وجهی دون وجه دیگر است. (۴)

(١) مجمع البيان، ج ٨، ص ٥٥٥-٥٥٦.

(٢) مجمع البيان، ج ٨، ص ٥٥٦.

(۳) روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن مشهور به تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی است و کسی آن را تفسیر کبیر ننماید؛ بلکه

تفسیر فخر رازی را تفسیر کبیر گویند.

(۴) تفسیر شیخ ابو الفتوح رازی، ج ۱۵، ص ۴۱۳، ذیل آیات ۳۰ و ۳۱ سورة احزاب. عبارت تفسیر نامبرده چنین است: «قُلْتُ وَ كَثُرَتْ ثَوَابُ بَرِّ مَذْهَبٍ دَرَسْتُ، بَهْ مَجْرَدُ فَعْلٍ نِیْسْتُ، بَرِّ وَقُوعُ فَعْلٍ اِسْتُ عَلٰی وَجْهِ دَوْنِ اٰخَرِ».

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۲

و بالجمله، بس است در حرمت این عمل که در حدیث شریف وارد شده که:

آمد خدمت امام علیه السّلام یا حضرت ختمی مرتبت مردی و عرض کرد: یا رسول الله من گرچه اجتناب کرده‌ام از غنا و لهویات، و لکن ربما أطیل الجلوس فی الخلا (چون در خانه همسایگان صدای غنا و خوانندگی و لهو است، نشستن در بیت الخلا را طول می‌دهم).

حضرت در جوابش فرمود: «قم و اغتسل و تب إلى الله» (برخیز از اینجا و برو غسل توبه کن) دیگر پیرامون این عمل نشوی. «۱»
مجمع البحرين در لغت «زمر» حدیث شریف پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم را آورده که فرمود:
إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي لَأَمْحَقَ الْمَعَازِفَ وَ الْمَزَامِيرَ.

و در حدیث دیگر فرمود: «أمرت بمحق المزامير». «۲»

می‌فرماید: حق تعالی مرا مبعوث کرد به رسالت و پیغمبری که محو کنم مزار و خوانندگی و صدای مزار را.
صاحبان قوه عاقله البته می‌بایست همیشه تفریق کنند آن را به طرف حدود مقرّره مشروعه و مقاصد و اوامر و نواهی الهیه و به آنجا که محبوب خداست نه به طرف میل و شهوت و غضب خود. این جمع و تفریق بر این وجه مختص به انسان عاقل است و گرنه بشر با حیوان فرقی با هم ندارند آن هم چون تمیز ندارد قوه عاقله و تصرف ندارد بر همان جبلت حیوانیت آن را به طرف

(۱) الکافی، ج ۶، ص ۴۳۲، باب الغناء، ح ۱۰. در کافی این حدیث از امام صادق علیه السلام نقل شده است.

(۲) مجمع البحرين، ج ۲، ص ۲۸۹، «زمر».

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۳

شهوت و غضب حیوانیت خود روانه کند. مانند این گونه بشوند که در واقع حیوانند و درباره آنها بَلْ هُمْ أَضَلُّ * «۱» آمد.
و از این جهت است می‌بینی به الحان موسیقیه شکار حیوانات کنند چنانچه از روی همین اصل است که شیطان هم شکار این گونه انسانها می‌کند و یکایک به دام و شبکه خود می‌اندازد. آنگاه در همچه مجلسی آنها را به هر چه امر کند از قمار و خمر و سایر محرّمات و و و مضایقه ندارند و با کمال پذیرایی اجابتش کنند و در غیر آن حال با آنها کاری ندارد و نزدیکشان نرود.
و از روی این اصل است مرغ ققنس «۲»، برای شکار قوت او منقار او را بر صفتی قرار داده مشتمل بر سوراخهای دژه‌بینی بر کیفیات مخصوص، چنانچه هنگام تنفس این حیوان نغمات مختلفه و الحان گوناگون می‌سراید. گویند ساز ارغنون «۳» را بشر بر آن نهج ساخته به کار برند. و هنوز بشر بر طبع حیوانیت مجبولند و عذرهای ناموجه هم می‌آورند؛ گاه می‌گویند: صندوق رادیو حکایت از اذان می‌کند یا تلاوت قرآن کند یا فلان مغنی و فلان نوازنده و نی‌زن ذکر مصیبت سید الشهداء کند. غافل از اینکه این عبادیات در صوت و آلات لهویه

(۱) اعراف (۷): ۱۷۹.

(۲) «ققنس یا ققنوس، مرغی است به غایت خوشرنگ و خوش آواز. گویند منقار او سیصد و شصت سوراخ دارد و در کوه بلندی مقابل باد نشیند و صداهای عجیب و غریب از منقار او برآید و به سبب آن مرغان بسیار جمع آیند. از آنها چندی را گرفته، طعمه

خود سازد. گویند ...

موسیقی را از آواز او دریافته‌اند» (لغت نامه دهخدا، ص ۱۵۷۹).

(۳) «ارغنون یا ارغنون مأخوذ از یونانی، سازی است مشهور که افلاطون آن را وضع کرده است.

و بعضی گویند ارغنون ترجمه مزامیر است؛ یعنی جمیع سازهای تفننی. و بعضی گویند چون هزار آدمی از پیر و جوان همه به یکباره به آوازهای مخالف یکدیگر چیزی بخوانند، آن حالت را ارغنون خوانند. و جمعی دیگر گویند که ارغنون، ساز و آواز هفتاد دختر خواننده سازنده است که همه یک چیز را به یک بار و به یک آهنگ با هم بخوانند و بنوازند» (لغت نامه دهخدا، ص ۱۵۷۸).

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۴

با ترجیع مرکب از پستی و بلندی که آن را در عرف غنا گویند- بلکه فقط آن را در آلات لهو غنا خواندن- معصیتش بیشتر و اهانتش به امور عبادیه زیاده‌تر است.

بدان که حرمت غنا کبرای آن بالإجماع مسلم است گرچه در موضوع و صغرای آن تأمیل است. آن هم مسلم است که ترجیع الصوت مع الطرب است. پس، حسن صوت که در قاری قرآن مطلوب است منصرف و مخصوص است به حلقوم و نای نه در فنوگراف و رادیو و سایر آلات مطربان.

پس، غلط است ذکر عبادیات در آنها، چه طرب بیاورد و چه نیاورد.

دیگر آنکه «حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا» «۱» معارض نیست با حدیثی که می‌فرماید پیغمبر رحمت صلی الله علیه و آله و سلم:

سِجِّیء [من بعدی] أقوام یرجعون القرآن ترجیع الغناء والنوح و الرهبانیة لا یجوز تراقیهم. «۲»

زیرا که مطلوب، تحسین صوت است. حدیث «رَجَّعَ بِالْقُرْآنِ صَوْتُكَ» أی «حَسَّنَ» تفسیر شده به دلیل آنکه فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ». «۳» و این ترجیع حالت حزن آور یا گریه است چنانچه «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ» «۴» مخصوص است به جمال در سیرت و اخلاق و تهذیبیات؛ هر

(۱) کنز العمال، ج ۱، ص ۵-۶، ح ۲۷۶۵؛ جامع الأخبار، ص ۱۳۱، ح ۲۶۱، در جامع الأخبار «زینوا القرآن بأصواتکم ...» آمده است.

(۲) الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۳؛ جامع الأخبار، ص ۱۳۰، ح ۲۶۰. و مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۶، و ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۵۵۵ و الجامع الصغير، ج ۱، ص ۱۹۹، ح ۱۳۳۹ به نقل پاورقی جامع الأخبار.

(۳) الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۱۳.

(۴) کنز العمال، ج ۳، ص ۵۲۸، ح ۷۷۴۷ و ج ۶، ص ۶۳۹، ح ۱۷۱۶۵-۱۷۱۶۷ و ص ۶۴۰، ح ۱۷۱۶۸ و ۱۷۱۶۹ و ص ۶۴۲-۶۴۳، ح ۱۷۱۸۷-۱۷۱۹۱.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۵

که باشد، جمیل الصورة باشد یا نباشد.

و بالجمله، حسن صوت در تلاوت قرآن تفسیر شده به صوت حزین خشوع آور یادآورنده قاری و مستمع را به عظمت خدا و وعده و وعید آن جناب جلّت عظمته. حضرت جعفر بن محمد الصادق سلام الله علیه فرمود:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ: إِذَا وَقَفْتَ بَيْنَ يَدَيَّ فَقِفْ مَوْقِفَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ وَإِذَا قَرَأْتَ التَّوْرَةَ فَاسْمَعْنِهَا بِصَوْتِ

حزین. «۱»

در روضه کافی از احادیث قدسیه خطاب به عیسی بن مریم است:

یا عیسی! شمر فکل ما هو آت قریب، و اقرأ کتابی و أنت طاهر، و اسمعنی منک صوتا حزینا. «۲»

به به از این دو خطاب که حق تعالی به تلاوت کننده می‌فرماید:

«أسمعنی» (به من بشنوان). در حدیث اول می‌فرماید: ای موسی! چون در برابر من بایستی خاشع باش و چون آیات تورات می‌خوانی مرا بشنوان به صوت حزن آورت. و در حدیث دوم به عیسی بن مریم می‌فرماید: مستعد باش - یعنی برای مسافرت إلی الله - که هر چه آمدنی است نزدیک است. و بخوان کتاب مرا در حالت طهارت و بشنوان مرا با صوتی حزین.

فقط نقطه نظر توجه دادن قلوب است به طرف خدا و آیات او نه آنکه از شدت ترجیع و طرب و ذوق شهوت به گریه درآید، حزن و گریه خارج از اختیاری که خودش نمی‌داند برای چه چیز گریه می‌کند. و نظر کن قدری در تاریخ انبیا، زبور خواندن حضرت داود را نگاه کن

(۱) الکافی، ج ۲، ص ۶۱۵، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۶.

(۲) الکافی، ج ۸، ص ۱۳۵، حدیث عیسی بن مریم علیهما السلام، ح ۱۰۳؛ البحار، ج ۱۴، ص ۳۱۹، ح ۱۹ به نقل از امالی صدوق.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۶

بین چه خبر است. وهب بن متبه گوید:

هرگاه داود به قرائت زبور مشغول می‌شد، وحوش و طیور و بهائم و سباع در حوالی او جمع می‌شدند، قلب مردم به طرف عبادات متوجه می‌شد، عبرت می‌گرفتند. «۱»

بیا، بیا نزدیکتر تلاوت حضرت حسن مجتبی سلام الله علیه را در تاریخ ترجمه آن حضرت بین که عالمی را روشن می‌کرد. نزدیکتر بیا تلاوت حضرت امام زین العابدین علیه السلام را بین که چون مشغول تلاوت می‌شد، عبور و مرور سقاهای مدینه و سایرین از عابرین بسته می‌شد و همه می‌گریستند. «۲» و در منی و عرفات میان خیمه و چادر تلاوت قرآن می‌کرد، حاج از هر طرف جمع می‌شدند، منزلها را وامی‌گذاشتند. چنان مجسم می‌فرمود به این تلاوت، عظمت الهیه و محشر را که مخالف و مؤلف تا مدتی مبهوت و محزون و به چشم قلب می‌دیدند آنچه را که می‌دیدند و عبرت می‌گرفتند.

نزدیکتر بیا تلاوت قرآن حضرت سید الشهداء در شب عاشورا در کربلا سی نفر از اصحاب عمر سعد را کشید به طرف اصحاب آن حضرت «۳» به حدی که پرده از چشم آنها برداشته شده و ملکوت الهیه را دیدند که مستمیت «۴» شدند و

(۱) رک: النور المبین فی قصص الأنبياء، از سید نعمت الله جزائری، ص ۳۳۶ به نقل از تفسیر القمی؛ ترجمه احیاء العلوم، نیمه دوم از ربع عبادات، ص ۷۹۶.

(۲) رک: الکافی، ج ۲، ص ۶۱۵، ۶۱۶، باب ترتیل القرآن بالصوت الحسن، ح ۴ و ۱۱. در حدیث دوم، امام صادق درباره امام باقر علیهما السلام نیز فرموده‌اند: «كان أبو جعفر عليه السلام أحسن الناس صوتا».

(۳) رک: اللهوف [صحيح: الملهوف]، چاپ رضی، ص ۴۱؛ نفس المهموم، ص ۲۳۵ به نقل از العقد الفريد.

(۴) «المستمیت: الشجاع الطالب للموت» (القاموس المحيط، ص ۲۰۶، «موت»).

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۷

در برابر آن حضرت شهید شدند. یاد کن از تلاوتهای سر مطهرش در این مسافرت به طرف شام که مشعل هدایت بود، چنانچه به

برکت تلاوت آن سر مطهر، جماعتی مستبصر یا به شرف اسلام مشرف شدند.

در این مقام یک نکته روحی به نظرم رسید و او این است که تمام کتب سماویه از تورات و انجیل و زبور و قرآن مجید مسأله مهم قیامت و حشر اجساد را به بیانات شیرین مختلف ذکر نموده بخصوص مسأله تکلم اجزاء بدن- هر جزئی بدون علاقه به بدن. در قرآن این مسأله مهمه گرچه به مثالهای گوناگون ذکر شده بود ولی مثال بود نه ممثل و لکن شارح ممثل و بیان حسی همه آن کتب سماویه به عهده حضرت سید الشهداء علیه السلام واگذار شد که این روز توضیح و تشریح فرمود که سر مطهر بدون علاقه به بدن با لحن فصیح در هر جا تفسیر قرآن مجید و کتب انبیا فرمود و به این تلاوتها پرده برداشت و شرح فرمود آن آیات شریفه را. و بالجمله، برگردیم سر مطلب و حرمت غناء آلات شهویه. در حدیث فرمود: «الغناء رقیه الزور»؛ «۱» غنا مقدمه و کلید هر باطل است.

[حرمت غنا در آیات قرآن]

آیات بسیار در قرآن در حرمت غناست و از آن جمله إِذْ إِقْرَأُوا بِاللَّغْوِ مَرُوءًا كَرَامًا «۲» مفسر به همین است. «۳» زمخشری در تفسیر کشاف کریمه

(۱) در جامع الاخبار (ص ۴۳۳، ح ۱۲۱۲) و احیاء العلوم «الغناء رقیه الزنی» آمده و در ترجمه احیاء علوم الدین (نیمه دوم از ربع عبادات، ص ۸۳۴) این گونه ترجمه شده است: «سرود افسون زناست».

(۲) فرقان (۲۵): ۷۲.

(۳) رک: الکافی، ج ۶، ص ۴۳۲، باب الغناء، ح ۹.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۸

أَفَمِنْ هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ* وَ تَصْحَكُونَ وَ لَا تَبْكُونَ* وَ أَنْتُمْ سَامِدُونَ. «۱» در تفسیر آورده: «أُی تَعْنُونَ». «۲» و در «قول زور» صریح است نهی اجتنابوا قول الزور «۳» و همچنین آیه کریمه: إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا. «۴»

قول زور بدون تأمل تفسیر شده به غنا «۵» و الحان خوانندگی بالاستقلال یا به واسطه رادیو و فنوگراف و آلات مطربه موسیقی. خوب تصور کن در این آیه کریمه که فرمود: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ «۶» پس، کلمه اجتنبوا* که در نهی از بت پرستی است بعینه آن را در غنا و لهو تکرار و در ردیف بت پرستی فرمود و به عطف اکتفا نفرمود. دیگر آنکه صاحب این حرفت را مشرک و به کلمه خُفَاءَ لِلَّهِ غَيْرِ مُشْرِكِينَ «۷» یاد فرمود.

آیه دیگر کریمه:

وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ. «۸»

(۱) نجم (۵۳): ۵۹-۶۱.

(۲) الکشاف، ج ۴، ص ۴۳۰: «وَ أَنْتُمْ سَامِدُونَ: شامخون مبرطمون و قیل: لاهون لاعبون. و قال بعضهم لجاریته: اسمی لنا، ای غنی لنا».

(۳) حج (۲۲): ۳۰.

(۴) اسراء (۱۷): ۳۶.

(۵) رک: الکافی، ج ۶، ص ۴۳۵، باب (النرد و الشطرنج)، ح ۲؛ الفقیه، ج ۴، ص ۵۸، ح ۵۰۹۳.

(۶) حج (۲۲): ۳۰.

(۷) حج (۲۲): ۳۱.

(۸) لقمان (۳۱): ۶. برای اطلاع از روایاتی که «لهو الحديث» را در این آیه به «غنا» تفسیر کرده‌اند رک: الکافی، ج ۶، ص ۴۳۱، باب الغناء، ح ۴، ۵؛ الفقیه، ج ۴، ص ۵۸، ذیل ح ۵۰۹۲.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۱۹

خبر می‌دهد در این آیه کریمه: بعضی از مردمند که می‌خرند یا می‌فروشند آلات لهو الحديث را تا گمراه کنند به آنها مردم را بدون علم به عاقبت آن و به آن اتخاذ کنند آیات قرآن و فرمان الهی را به استهزاء، و از برای این جماعت است عذاب دردناک و خجالت‌آور.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابو امامه انصاری فرمود:

هان ای ابو امامه! هر صدایی که به لهو بلند شود، دو نفر شیطان در آن ساعت فرصت کرده بر گردن او سوار شوند، با دو پشت پای خود بر سینه او زنند (تا آن هم بنوازند) تا وقتی که خاموش شود. «۱»

این است دام شیطان.

در آیه دیگر در مدح مؤمن فرمود: وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ «۲». در حدیث شریف فرمود:

من أصغى إلى ناطق فقد عبده، فإن كان ينطق عن الله فقد عبد الله، وإن كان ينطق عن غيره أو عن إبليس فقد عبد إبليس. «۳»
یعنی: هر کس گوش فرا دهد گوینده‌ای را، هر آینه او را پرسش کرده. پس اگر آن گوینده از خدا گوید همانا خدا را پرستیده و گرنه غیر خدا را پرستش کرده.

در حدیث دیگر فرمود:

(۱) جامع الأخبار، ص ۴۳۳، ح ۱۲۱۳. ربيع الأبرار، ج ۲، ص ۵۶۹ و احیاء علوم الدین، ج ۲، ص ۲۸۵ به نقل از پاورقی جامع الأخبار.

(۲) فرقان (۲۵): ۷۲.

(۳) الکافی، ج ۶، ص ۴۳۴، باب الغناء، ح ۲۴.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۰

کَلِّ مَا يَلْهِيكَ فَهُوَ صَنَمُكَ. «۱»

یعنی: هر چه تو را از ذکر خدا مشغول کند آن صنم و بت تو است.

این دو حدیث مؤید بت‌پرستی سابق است. و اما مؤید حدیث ابو امامه انصاری که گذشت این است که فرمود:

إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا رَأَى إِنْسَانًا لَاهِيَا رُكْبَةً وَقَالَ لَهُ: تَغَنَّ أَوْ تَمَنَّ ... «۲»

می‌فرماید: شیطان چون ببیند انسانی را که مشغول لهو شده یا او را بیکار دید فوراً سوارش شود و او را گوید: خوانندگی کن، اگر نتواند گوید: آرزویی بکن. چون شروع به زمزمه کند او نیز فرصت کند. تا آخر حدیث مذکور.

شیطان، صوت حضرت داود را که دید و اجتماع وحش و طیر و انسان و سباع را در حوالی او دید، آتش حسد در سر او مشتعل شد که به چه سبب مردم حیوان صفت را به طرف خود میل دهد. اعوان خود را جمع کرده در این باب مشورت کرد. گفتند مگر نمی‌بینی حیوانات را که به تغنی و موسیقی شکار کنند؟ آیا نمی‌بینی چوپانان گوسفندان متفرق در صحرا و بیابانها را به همین حیل جمع کنند یا شتربانان شترهای متفرق در چراگاه دور را به صوت حداء و نغمه مخصوص جذب کنند که چشم از چراگاه می‌پوشند

و فوراً حاضر می‌شوند. همین است طریق شکار این گونه اشخاص. آنگاه اختراع صوت و ترتیب آلات بربط و نای و مزامیر نهاد و صرف قلب مردم از خدا نمود تا به امروز.

(۱) بر این حدیث وقوف نیافتیم.

(۲) بر این حدیث وقوف نیافتیم، اما در کافی (ج ۶، ص ۵۴۰، ح ۱۷) از رسول خدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ این گونه نقل شده است: «إِذَا رَكِبَ الرَّجُلُ الدَّابَّةَ فَمَسَمَى، رَدَفَهُ مَلَكٌ يَحْفَظُهُ حَتَّى يَنْزِلَ. وَ مِنْ رَكْبٍ وَ لَمْ يَسْمَ، رَدَفَهُ شَيْطَانٌ فَيَقُولُ تَغَنَّ الْخَ». الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۱

[حرمت قمار]

و از جمله توابع این مقام است حرمت قمار و جمیع اقسام و انواع آن همه جمع است در تحت فرمان الهی که فرمود در آیات کریمه سوره مائده که شرح مختصری از آن ذکر می‌شود.

پیغمبر صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ و آلِهِ و سَلَّمَ عبور می‌فرمود دید جمعی مشغول بازی نرد و شطرنجند، فرمود:

ما هذه التماثيل التي أنتم لها عاكفون؟ «۱» (این خطابی است که حضرت ابراهیم خلیل به نمرود و عده اصنام فرمود). بعد فرمود: فانتبهوا رحمکم اللّٰه.

آنگاه شرحی در احادیث حرمت تمام اقسام قمار وارد فرمود. از آن جمله [این] حدیث شریف است فرمود: «الناظر إليه كالناظر إلى فرج أمه أو كآكل لحم الخنزير». «۲»

در حدیث دیگر فرمود:

يحشر صاحب الطنبور [يوم القيامة و هو] أسود الوجه و بيده طنبور من نار، و فوق رأسه سبعون ألف ملك، بيد كل ملك مقمعة يضربون رأسه و وجهه، و يحشر صاحب الغناء من قبره

(۱) انبیاء (۲۱): ۵۲.

(۲) السرائر، مستطرفات السرائر، ج ۳، ص ۵۷۷: «عن أبي بصير، عن أبي عبد الله، قال: بيع الشطرنج حرام ... و السلام على اللاهي بها معصية و كبيرة موبقة، و الخائض يده فيها كالخائض يده في لحم الخنزير، و لا صلاة له حتى يغسل يده كما يغسل من مس لحم الخنزير، و الناظر إليها كالناظر إلى فرج أمه».

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۲

أخرس و أعمى و أبكم. «۱»

فرمود: صاحب طنبور در قیامت محشور شود در حالتی که روی او سیاه و در دست او طنبوری است از آتش و هفتاد [هزار] ملک با گرزهای آتشین بر سر و صورت او می‌کوبند.

این حال نوازنده، و اما حال خواننده پس او محشور شود در قیامت لال و کور و کر.

تا اینکه فرمود: «و يحشر الزاني مثل ذلك «۲» و صاحب المزممار مثل ذلك و صاحب آلاف مثل ذلك». و در حدیث دیگر به جای کلمه آلاف فرمود: «صاحب الدف». «۳»

احادیث در این باب در این مختصر جمع نمی‌شود، فقط به اشاره می‌گذریم. در خانه اگر کس است یک حرف بس است.

اما فرمان الهیه و اعلان قرآن مجید

اولاً در سوره مبارکه مائده در اواخر این سوره اعلان فرمود:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. «۴»

می‌فرماید: آگاه باشید ای کسانی که ایمان آوردید این است و جز این نیست که خمر (یعنی هر مسکر بالأصاله به تمام اقسام

(۱) جامع الأخبار، ص ۴۳۳، ح ۱۲۱۲.

(۲) دنباله همان حدیث.

(۳) در جامع الأخبار «صاحب الدف» آمده است و ممکن است «آلاف» تصحیف الدف بوده باشد.

(۴) مائده (۵): ۹۰.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۳

آن و همچنین معاملات آن و جمیع تصرفات آن) بر شما حرام و رجز (یعنی خبیث) است. و همچنین میسر (یعنی جمیع اقسام قمار به هر اسمی که بر او گذارند از بردن و باختن) و همچنین انصاب (یعنی اصنام و بت پرستی و هر چه نصب شود برای پرستیدن) و همچنین ازلام (که ذکر آن خواهد آمد). اینها همه از عمل شیطان است. پس از اینها اجتناب کنید شاید رستگار شوید.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ. «۱»

این است و جز این نیست که چون بالطبع اینها اسباب عداوت و دشمنی می‌شود، لهذا شیطان از این راه می‌خواهد بین شما عداوت و بغضاء و دشمنی بیندازد. و متفرق کند از این اتحاد اسلامی و بازدارد شما را از ذکر پروردگار و نماز.

آنگاه تهدید نموده فرمود: فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ «۲» ... می‌شمارد اقسام محرمات را و در اول سوره فرمود:

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ «۳» یعنی: آن ذبیحه که بدون اسم خدا کشته شود (تا چه رسد [به اینکه] به اسم غیر خدا کشته شود که همه) میته و مردار و حرام است.

پس فرمود: وَالْمُنْخَنِقَةُ. عادت زمان جاهلیت این بود که حیوان را در

(۱) مائده (۵): ۹۱.

(۲) دنباله آیه قبل.

(۳) مائده (۵): ۳.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۴

بین دو چوب یا دو سنگ خفه می‌کردند و می‌خوردند. وَالْمَوْقُودَةُ یا آنکه حیوان را آن قدر می‌زدند تا کشته می‌شد و می‌خوردند. وَالْمُتَرَدِّیَةُ یا آنکه حیوانی از کوه یا بلندی بیفتد و بمیرد، آن را می‌خوردند. وَالنَّطِیخَةُ حیوانی که در شاخ بازی کشته شود. وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ آن شکاری که سگ شکاری کشته باشد و به تذکیه نرسیده. وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ عادت مشرکین جاهلیت بود که حیوان را در نزد بت منصوب می‌کشتند و خون او را بر آن صنم می‌مالیدند و برای تبرک آن را می‌خوردند. وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ محل شاهد این است که می‌فرماید: طلب نکنید خوردن قسمت آن شتر یا آن چیزی را که به قمار کشته شده یا به دست آمده که به جمیع اقسام قمار حرام است.

چنانچه در جاهلیت دائر بود یکی از اقسام قمار که بر ده تیر قمار داشتند بر هفت دانه آن تیرها تعیین سهام و نصیب می‌نوشتند و بر هر سهمی اسمی می‌گذارند و بر سه‌تای دیگر قداح و سهمی نبود. آنگاه صاحبان هر سهمی که به اسم او بیرون می‌آید به قدر

قسمت خود برد و آن دیگران قیمت شتر را باید بدهند. این بود قواعد کفار و مشرکین در زمان جاهلیت تا آنکه پیغمبر خاتم در شریعت مطهره عاده محمدیه این ظلم بین آشکار را حرام فرمود و اعلان حرمت قمار را به همه عالم دستور داد. فاعتبر أيها المسلم الفطن.

بین جهال مسلمین ما را که امروز اسم این ظلم فاحش را حظ و یا نصیب گذارده و فرمان قرآن و اعلان شرع مطهر محمدی پشت سر انداخته به طمع و توهم باطل، پول حلال خود را می‌دهد و به زیر بار این ضرر معلوم می‌رود به امید حرام موهوم خیالی.

[خاتمه در تحذیر از مجالست رفیقان بد]

[سبب] عمده این جهالات و مخاطرات، مبتلا شدن به معاشرت با

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۵

ندماء جاهل و رفقاء باطل است. فرمود: «اتَّقُوا جَلِيسَ السُّوءِ»؛ پرهیزید از مجالست بدان و جاهلان. قال الله تعالى: إِذِ ان رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ «۱»؛ اعراض کن و دور شو از این جماعت. پیغمبر خود را نهی کرد از مجالست با این گونه اشخاص و فرمود: فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ «۲» بعد از نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر و اتمام حجت دَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ «۳» همنشین تو از تو به باید* تا تو را عقل و دین بیفزاید نشست و برخاست با این گونه جماعت، خانه و خانواده‌ها را خراب می‌کند. الله! الله! احتراز کن. حضرت رضا سلام الله علیه در حدیثی فرمود:

إذا سمعت الرجل يجحد الحق، و يكذب به، و يقع في أهله، فقم من عنده و لا تقاعده. «۴»

و از این قبیل احادیث بسیار و عقل هم حاکم است. فوا عجباً من مسلمی زماننا حیث سموا هذا الشرك العظيم المهيّب و الخسارة الواضحة بالحظ و النصیب يغزّون به جهالنا.

ادباء عرب گویند:

عن المرء لا تسأل و سل عن قرينه* فكلّ قرين بالمقارن يقتدى

(۱) انعام (۶): ۶۸.

(۲) انعام (۶): ۹۱.

(۳) دنباله همان آیه.

(۴) مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۱۵-۳۱۶، باب تحریم مجالسه أهل المعاصی و أهل البدع، ح ۱۴۱۸۶ به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۲۹۰.

الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۶

إذا كنت في قوم فصاحب خيارهم* و لا تصحب الأردی فتردى مع الردی «۱» دیگری گوید:

پسر نوح با بدان بنشست* خاندان نبوتش گم شد سگ اصحاب کهف روزی چند* پی نیکان گرفت آدم شد «۲» باز ادبای عجم گویند:

صحبت مفسدان و بد عملان* مردم نیک را تباه کند هر که با دیگ همنشین گردد* جامه خویش را سیاه کند دیگری گوید:

زینهار از قرین بد زنهار* و قنا ربنا عذاب النار دیگری گوید:

بیاموزمت کیمیای سعادت* ز هم صحبت بد جدائی جدائی دیگری گوید:

نخست موعظه پیر مجلس این حرف است که از مصاحب ناجنس احتراز کنید «۳»

- (۱) این دو بیت منسوب به «عدی بن زید» است. رک: شرح شواهد المغنی از جلال الدین سیوطی، ج ۲، ص ۸۸۵.
- (۲) گلستان سعدی، به تصحیح غلامحسین یوسفی، باب اول، حکایت پنجم: در این چاپ گلستان این دو بیت به این صورت آمده: با بدان یار گشت همسر لوط* خاندان نبوتش گم شد سگ اصحاب کهف روزی چند* پی نیکان گرفت و مردم شد.
- (۳) این بیت از حافظ است. در دیوان حافظ به تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی به جای «پیر مجلس»، «پیر صحبت» آمده است.
- الموسیقیات و نقدها، ص: ۲۷

و السلام علی من اتبع الهدی و خشی عواقب الردی.

امیدوارم إن شاء الله برادران دینی و ایمانی من از این غفلت بیدار و هشیار [شوند] و اعتبار گیرند.

صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین، و اللعنه علی أعدائهم أجمعین.

و اینجا ختم نمودم رساله شریفه را عبره للناظرین.

و أنا أقل خدمه الشریعه المطهره محمد علی الحائری فی شهر جمادی الأولى ۱۳۷۱ هجریه.

سنقری حائری، محمد علی، الموسیقیات و نقدها، در یک جلد، نشر مرصاد، قم - ایران، اول، ۱۴۱۸ ه ق

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در

نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

- (الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
(ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
(ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
(د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

- (ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
(و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)
(ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
(ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

- (ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
(ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۰۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسين عليه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

گامی



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹